



بررسی پیشینه تاریخی امارات متحده عربی

سجاد رحیمی نژاد^۱

مقدمه

بررسی تحولات سیاسی و اجتماعی خلیج فارس و کشورهای همجوار آن از پیچیدگی و دشواری خاصی برخوردار است، زیرا این آبراه کم عمق در مرکز خاورمیانه قرار گرفته که در طی تاریخ سابقه و اهمیت بسیاری داشته و به نوبه خود کانون حوادث و رویدادهای تاریخ بشری از دیرباز تا کنون بوده است. امارات متحده نام کشوری عربی در حوزه خلیج فارس است که در جنوب غربی قاره آسیا و در شرق شبه جزیره عربستان و در بخش جنوبی خلیج فارس واقع شده است. با توجه به موقعیت استراتژیک امارات در خلیج فارس و دارا بودن بندر های تجاری بزرگ مانند ابوظبی و دبئی و برخورداری از منابع نفتی عظیم، مطالعه و بررسی پیشینه تاریخی این کشور حائز اهمیت است.

در این پژوهش تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و پیشینه تاریخی این سرزمین در چهار فصل مختلف مورد بررسی قرار میگیرد. موقعیت و شرایط جغرافیایی نقش مهم و تعیین کننده ای در شکل دادن تجارت، اقتصاد و اوضاع سیاسی در شبه جزیره مسندم داشته است. از این رو در بخش اول مقاله به موقعیت جغرافیایی و مشخصات طبیعی این سرزمین و همچنین به بررسی تحولات سیاسی آن در دوران باستان و اقدامات داریوش اول هخامنشی در ایجاد پایگاه های نظامی در شبه جزیره مسندم و همچنین سیاست سرکوبی اعراب منطقه توسط شاپور دوم ساسانی پرداخته می شود. براساس منابع موجود نخستین نشانه های توجه مسلمانان به این منطقه مربوط به سال هشتم هجری است. از این رو در بخش دوم به چگونگی ورود

^۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات خلیج فارس دانشگاه شهید چمران اهواز



مسلمانان به این سرزمین و فتح آن توسط آنان و در ادامه به تحولات سیاسی منطقه در دوران خلفای اسلامی پرداخته می شود. در فصل سوم به تاریخچه مهاجرت قواسم در دو سوی خلیج فارس و سیاست های انگلستان در قبال قواسم و تشکیل امارات متصالحه، چگونگی تشکیل امارات متحده عربی و تقصیسات سیاسی امارات مورد بررسی قرار میگیرد.

این تحقیق به دنبال یافتن پاسخ این سوال است که تشکیل امارات متحده عربی در راستای چه سیاستی بوده است؟ فرضیه تحقیق حاضر بر این است که تشکیل این کشور در راستای پیامدهای جنگ جهانی دوم و تضعیف قدرت انگلستان در خلیج فارس بوده است. روش مورد استفاده در این مقاله روش توصیفی تحلیلی و شیوه اجرای آن کتابخانه ای بوده و در انجام آن سعی شده از جدید ترین اسناد مربوط به حوزه تحقیق استفاده شود.

۱. جغرافیایی تاریخی شبه جزیره مسندم

شبه جزیره مسندم، نزدیک ترین و در عین حال ناشناخته ترین سرزمین عربی همسایه ایران در آن سوی خلیج فارس است. شمالی ترین نقطه مسندم از جنوبی ترین پاره سرزمین ایران در تنگه هرمز (جزیره لارک) تنها ۳۹ کیلو متر فاصله دارد و دست کم نیمی از مردم مسندم از اصل ایرانی هستند.^۱

این شبه جزیره از طرف جنوب ب خاک عربستان سعودی محدود شده و از شرق با دریای عمان رابطه دارد و حدود پنجاه و یک هزار و پانصد کیلو متر مربع وسعت دارد.^۲

سواحل شرق این سرزمین که با دریای عمان مجاور است به سواحل الباطنه شهرت دارد و فجیره در آن حدود واقع است. سرزمین مسندم مانند دیگر نقاط جزیره العرب عبارت است از یک منطقه نسبتاً مسطح و کویری است و همگی ایالات آن با دریا مجاور داشته، حدود ۶۴۰ کیلو متر از خور العدید در نزدیکی قطر تا مرز امیر نشین

^۱ . پیروز، مجتهد زاده، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپولتیک، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۲، ص ۴۷.

^۲ . پیروز، مجتهد زاده، شیخ نشین های خلیج فارس، موسسه مطبوعاتی عطایی، تهران، ۱۳۴۹، ص ۴۷.



عمان و مسقط با خلیج فارس خط ساحلی دارند و سواحل این ایالات از یک خط مضرس شنی متشکل از خورها و شبه جزایر سنگی، مرجانی و شنی تشکیل میشود. تضاریس ساحل و عمق کم آب خلیج در نزدیکی ساحل و وجود جزایر متعدد تأثیر بسیار عمیقی در زندگی این مردم وابستگی زیادی به منابع دریایی از قبیل ماهی و میگو و مروارید و غیره دارد.^۱

واقع بودن امارات متصالحه بین ۵/۲۴ درجه و ۵/۲۶ درجه عرض شمالی و مجاورت آنها با دریا از دو طرف نشانه نزدیکی این ناحیه به منطقه استوا و نشان دهنده کیفیت آب و هوای این سرزمین و درجه حرارت و میزان رطوبت هوای آن می باشد.^۲

ساختمان زمین شناسی این سرزمین از دوران اول زمین شناسی (کامبرین) است و از لایه های سخت به وجود آمده است و از دید جغرافیایی به چهار منطقه مشخص تقسیم می شود:

۱. صحرای ماسه ای: نزدیک به کرانه باختری در نزدیک خلیج فارس که از شن و ماسه است.

۲. ریگزارهای مرکزی

۳. ناحیه کوهستانی: شامل کوههای فرسوده و کوهپایه های خاوری مسندم که بلندترین قلعه آن، در بخش شمال عمان و مسقط حدود ۲۴۹۹ متر بلندی دارد و ناحیه جنوبی شبه جزیره، بلندای آن گاه تا هزار متر کاهش می یابد. ۴. ناحیه کرانه شرقی: که دشت های کرانه خاوری شبه جزیره مسندم است.

مسندم در یک نوار بیابانی گرم و خشک است که از آفریقا تا آسیا ادامه دارد و صحرای آفریقا، عربستان، ایران، ترکمنستان و صحرای تار هندوستان را در برمی گیرد. مسندم به علت همجواری با دریای مکران و خلیج فارس زیر تأثیر بادهای مرطوب دریایی است. در تابستان همانند دیگر کرانه های دریایی پارس، گرما رطوبت و هوای این منطقه را، حتی برای اعراب محلی غیر قابل تحمل می سازد، اما بخشهای گرم و خشک نواحی جنوبی

^۱. همان ص ۴۹.

^۲. پیروز، مجتهد زاده شیخ نشین های خلیج فارس، ص ۵۱.



از آب و هوای بهتری بر خوردار هستند و بخش شرقی همجوار با اقیانوس هند و دریای مکران به سبب وجود کوهها دارای رطوبت و حرارت زیاد تری است.^۱

این شبه جزیره هشت واحد سیاسی بزرگ و کوچک را در بر میگیرد، مسندم بخشهای شمالی سلطان نشین عمان و بخشهای خاوری شیخ نشین ابوظبی را شامل است. در حالیکه تمام شیخ نشین های شارجه، دبی، رأس الخیمه، ام القوین، و فجیره را درون آن قرار دارد. برخی از این شیخ نشین ها در شمار کوچکترین واحد سیاسی در جهانند^۲

در تمامی منطقه آب شیرین نایاب است فقط در بعضی از نقاط چاهای نسبتاً کوچک شیرین می توان حفر کرد و در دامنه کوهستان ها نیز روی هم رفته آب سهل الحصول تر است، به سبب عدم وجود آب، کشاورزی نیز در این مناطق ابداً وجود ندارد و به جز در شهر ابو ظبی یا واحه بریمی و مناطق راس الخیمه و شرق دویی در سایر مناطق نیز نخلستان و جود ندارد.^۳ در هر دو سوی کوهستان هایی که در مشرق و شمال شرقی منطقه متصالحه قرار گرفتند جویبارهای کوچک و چشمه سارهای کم آب و چاه های متعددی دیده می شوند که امکان کشاورزی آن مناطق را زیاد کرده و مخصوصاً دره هایی که این کوهستانها را قطع می کنند و یا در آنان نفوذ می نمایند مرطوب و حاصلخیز بوده علاوه بر نخلستان در آنها انواع مرکبات مخصوصاً لیمو ترش و لیمو شیرین، موز، انبه، تنباکو، بدست می آید.^۴

سواحل این کشور در خلیج فارس عمدتاً پیچ در پیچ و دارای خلیج های کوچک است ضمناً سواحل کم عمق بعضاً مردابی دارای صخره های زیرآبی، جزایر و جزیره نماهای مرجانی می باشد، با توجه به این شرایط ویژه، در دوران فعالیت دزدان دریایی بومی در خلیج فارس، این سواحل به ویژه رأس الخیمه به عنوان محل اسکان و

^۱ . ایرج، افشار، جغرافیای دریای پارس، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، تهران، ۱۳۷۶، ص ۶۷۹.

^۲ . پیروز، مجتهد زاده، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپولیتیک، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۵۴.

^۳ . محمد علی، جناب خلیج فارس و آشنایی با امارات آن، تهران، ۱۳۴۸، ص ۱۴۵.

^۴ . همان ص ۱۴۵.



پناهگاه مطمئن آنان مورد استفاده قرار می گیرد؛ بنابراین نیروهای ایرانی یا انگلیسی که در تعقیب و مبارزه با دزدان دریایی منطقه بودند، به علت ناآشنایی با شرایط جغرافیای محلی قادر به مبارزه و قلع و قمع نهایی آنان نمی شدند، بدین ترتیب دزدان دریایی توانستند ده سال به فعالیت های خود ادامه دهند، و بنابراین در متون تاریخی مربوط، این سواحل به «ساحل دزدان دریایی» معروف شدند.^۱

جمعیت امارات متحده بر اساس آمار سال 2010 تعداد 4 میلیون 700 هزار نفر است که ۲۴ درصد آنان را ساکنان بومی و ۷۶ درصد را خارجیها تشکیل میدهند، حدود ۴۵ درصد جمعیت امارات در شیخ نشین ابوظبی ساکن هستند و کمترین آنها با حدود ۲ درصد ام القوین زندگی می کنند. بیشترین تراکم منطقه ای جمعیت به شیخ نشین عجمان و کمترین آن به شیخ نشین ابوظبی تعلق دارد، ۸۰ درصد از نیروی کار کشور را خارجی ها و تنها ۲۰ درصد را افراد بومی تشکیل میدهند.^۲

۲. پیشینه تاریخی سرزمین مسندم

۱-۲ سرزمین مسندم در دوران باستان

سرزمین مسندم تا پیش از اسلام جزئی از نواحی زیر نفوذ ایران به شمار میرفت.^۳ این سرزمین در دوره باستان مورد توجه و صاحب اهمیت بوده است، تا آنجائیکه داریوش بزرگ در ۲۵۰۰ سال پیش از این سرزمین مزبور را که محل سکونت اقوام سیاه پوست آفریقایی بود تحت سلطه و اقتدار خود در آورد و در نقاط مختلف آن با ایجاد به ایجاد پایگاههای نظامی اقدام نمود، سرزمین مسندم در تمام دوران اقتدار حکومت هخامنشی تحت نفوذ شاهنشاهی ایران بود و بعد از استیلای اسکندر یک چند در حیطه فرمانروایی وی در آمد. در دوران پادشاهی سلسله اشکانی که گاه بیگاه میان آنان و رومیان زد خوردی بر پا میشد، سرزمین مسندم گاهی تحت نفوذ ایران

^۱ . بیژن اسدی، خلیج فارس و مسائل آن، سمت، تهران، ۱۳۸۱، ص ۲۹۰-۲۹۱.

^۲ . همان ص ۲۹۱.

^۳ . همان منبع ص ۲۹۲.



وگاهی به تصرف روم در می آمد و این وضع تا عصر ساسانی ادامه داشت و ساسانیان توانستند به زودی دامنه نفوذ و اقتدار خود را تا سواحل جنوبی خلیج فارس و قسمت‌های جنوب شرقی و شبه جزیره عربستان تا حدود یمن وسعت دهند.^۱

خلیج فارس کرانه‌ها و بنادر آن در دوره ساسانی پر رونق‌ترین دوره خود را در ایرانستان تجربه می‌کرد. تحولات منطقه‌ای و جهانی و توجه خاص پادشاهان ساسانی به این منطقه موجبات پیشرفت و توسعه آن را به وجود آورد. به دیگر سخن طی قرون سوم تا هفتم میلادی در سایه اعمال سیاست‌های اقتصادی ساسانیان، خلیج فارس تفوق و برتری خود را به دریای مدیترانه و دریای سرخ دوباره بدست آورد و این منطقه تبدیل به کانون تبادلات دریایی گردید مهم‌ترین عمل توسعه اقتصادی ساسانیان تسلط بر خلیج فارس بنادر و جزایر آن بود.^۲

در این احوال ساکنان حاشیه جنوبی خلیج فارس را گروه‌های کوچک سیاهپوست که از صدها سال قبل از هخامنشیان به این سرزمین روی آوردند، تشکیل می‌شد و طبق شواهد تاریخی اعراب تا این زمان در داخله جزیره العرب سر می‌کردند و تنها در زمان اردشیر ساسانی تا دوره شاپور ذوالاکتاف که سراسر عربستان عرصه نبرد ایران و روم بود، دسته‌هایی از اعراب توانستند بسواحل خلیج فارس راه یابند و خود را از زندگی مشقت بار صحرایی نجات داده، برای صید ماهی و تجارت دریایی به این سرزمین روی آورند. در زمان شاپور ساسانی اعراب تازه وارد، در سواحل جنوبی خلیج، دست اندازی به سواحل ایرانی شمال خلیج فارس را آغاز نهادند و باعث شدند که حکومت وقت ایران نیرویی جهت سرکوبی آنان اعزام کند این نیرو قبایل عرب را از دست اندازی به سواحل ایرانی باز داشته، آنان را پراکنده ساخت و متعاقب آن شورشیان بحرین را نیز به جای خود نشانند^۳

۲-۲. سرزمین مسندم از آغاز اسلام تا ورود پرتغالی‌ها

^۱ . پیروز، مجتهد زاده، شیخ نشین‌های خلیج فارس، موسسه مطبوعاتی عطایی، تهران، ۱۳۴۹، ص ۵۸.

^۲ . محمد باقر، وثوقی، تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار، سمت، تهران ۱۳۸۴، ۵۹.

^۳ . مجتهد زاده، همان منبع، ص ۵۸-۵۹.



به هنگام ظهور اسلام که ضعف و سستسی بر شاهنشاهی ساسانی مستولی گردید، اعراب در سواحل خلیج فارس بیش از هر وقت قدرت یافته و متمرکز شدند و اجتماعی را به وجود آوردند و در زمان مرگ یزدگرد سوم و فتح اسلام قدرت نفوذ فوق العاده کسب کردند. در دوران استیلای حکومت خلفاء بر سرزمینهای وسیع آسیای میانه در حوزه خلیج فارس دسته های مختلف مجتمع و متشکل شد، شورشها و نهضت های را آغاز نهادند که از آن جمله میتوان از قیام حاکم بحرین در سال ۱۵۱ هجری و شورش طایفه «زط» در سال ۲۱۹ هجری و شورش گروه بزرگی از زنگیان حوزه خلیج به رهبری شخصی به نام علی محمد صاحب الزنج (رئیس ورهبر زنگیان)، نام برد که همگی توسط حکومت های وقت سرکوب و خاموش شدند. اگر چه علی بن محمد و دار دسته اش مدت ها پایداری کرده و بعضی مواقع به پیشرفت و اقتداری میرسید و حتی در حوزه خلیج فارس قدرت زیادی بهم رسانده پرچمی جداگانه بر افراشت، لیکن سرانجام در نبرد با قوای خلیفه عباسی به وضع دلخراشی از میان رفته عرصه را تهی گذارد.

متعاقب این جنبش عده ای دیگر به رهبری ابو سعید بهرام جنابی که سردار لشکر عبید الله حمدان قرمطی بود و به همین مناسبت دسته مزبور را قرامطه می نامیدند، شورش عظیمی در سواحل خلیج فارس آغاز نهادند^۱ این شورش که با نیرویی زیاد تقویت میشد به زودی پای گرفت و قرمطیان توانستند در سال ۳۸۶ هجری شهر قطیف را که از ولایت بحرین بزرگ شمرده میشد تصاحب کنند، لشکر خلیفه را شکست داده، شهرهایی را در عمان و سایر نقاط متصرف شوند. این نوع انقلابات به نوبه خود تأثیری دیگر در این منطقه بخشیده، اساس خود مختاری های کوچک را در سواحل جنوبی خلیج فارس شدت بیشتری می گرفت.^۲

خلیج فارس بنادر و سواحل آن در قرون نخستین اسلامی به دلایل مختلف از شکوفایی و رونق خاصی برخوردار بود و کانون اصلی مبادلات بین شرق و غرب محسوب می شد گسترش تجارت با چین و آسیای جنوب

^۱. شیخ نشین های خلیج فارس، ص ۵۹.

^۲. همان منبع ص ۶۰.



Persian Gulf Studies Center

مرکز مطالعات خلیج فارس
مطالعات سیاسی امنیتی دفاعی و تاریخی حوزه خلیج فارس

شرقی و آفریقای شرقی توسعه و رشد بنادر و جزایر محاجرت و جابه جایی گسترده جمعیت در آن استقرار بازرگانان ایرانی در بنادر دریای سرخ و آفریقای شرقی و رواج فرهنگ خلیج فارس و غیره در این دوره شکل گرفته است با روی کار آمدن امرای آل بویه در نواحی پارس در فتح بغداد و عمان توسط آنان بنادر خلیج فارس پس از حدود سه قرن و نیم فروپاشی دولت ساسانیان یک بار دیگر شاهد وحدت سیاسی در پس کرانه ها شد از این رو تأسیس سلسله آل بویه به اعمال سیاست های واقع گرایانه عضدالدوله دیلمی مقطع مهمی از تاریخ خلیج فارس به شمار می رود. می توان از آن به عنوان یک دوره شکوفایی استثنایی و یا بازگشت به عصر درخشان هخامنشی و ساسانی یاد کرد.^۱

تهاجم گسترده مغول در پس کرانه های خلیج فارس موجب گسترش ناامنی و کاهش تبادلات اقتصادی گردید و بنادر را به طور کامل نا امن ساخت، پراکندگی سیاسی در نواحی پس کرانه ای شدت گرفت و امنیت اقتصادی آن مناطق رو به خاموشی نهاد. از این رو حجم مبادلات کالا در این دوره از پس کرانه ها به سمت بنادر و جزایر دچار رکود شد.^۲

۲-۳ سرزمین مسندم از ورود پرتقالی ها به خلیج فارس تا تشکیل امارات متصالحه

در سال ۱۴۸۱ بیست و هشت سال بعد از فتح قسطنطنیه به دست سلطان محمد فاتح و بیست سال پیش از تشکیل دولت صفوی در ایران، یکی از ملوانان پرتقالی به نام بارتلمی دودیاز خود را به دماغه جنوبی افریقا رساند و به اقیانوس هند پا گذاشت.^۳

^۱ . محمد باقر، وثوقی، همان منبع، ص ۱۱۵.

^۲ . همان منبع، ص ۱۳۹.

^۳ . عباس، اقبال، مطالعاتی در باب بحرین و جزایر خلیج فارس، تهران، ۱۳۲۸ ص ۵۱.



در سال ۱۴۹۷ چهار سال قبل از جلوس شاه اسماعیل اول واسکو دوگاما بزرگترین مکتشف پرتغالی، به همراه پادشاه پرتغال همراه چهار کشتی بزرگ جنگی در جستجوی راه ادویه به شرق رهسپار شد در این سفر بارتلمی دیاز او را همراهی می کرد.^۱

کشف دماغه امید نیک در سال ۱۴۹۸م توسط واسکو دوگامای پرتغالی مقدمه تاریخ جدید برای خلیج فارس و سرزمینهای جنوبی آن به حساب می آید. زیرا از این زمان بود که دولت های استعماری و استثماری غرب، یکی بعد از دیگری به این منطقه روی آوردند. بیش از همه امپراتوری پرتغال دست اندازی در خلیج فارس را شروع کرده، با تصرف سواحل مقسط و عمان به وسیله سردار خود آلفونس آلبوکرک و تصاحب جزیره هرمز که کلید خلیج فارس محسوب می شود، با استقرار نیرو در خلیج فارس و استفاده از منابع و موقعیت آن پرداخته و شالوده استعماری ۱۷ساله را ریخت و متعاقب آن دولت اسپانیا که در آن زمان از سیادت بحری برخوردار بود در خلیج فارس برای خود استحکاماتی تدارک دید و بلاخره بعد از مدت کوتاهی انگلیس در تعقیب سیاست دریائی خود را بر دست اندازی به راههای معتبر آبی و جزایر و سواحل مهم استراتژیکی بدنبال دو دولت پرتغال و اسپانیا روانه خلیج شد. در این احوال و اوضاع ایران پس از دهها سال آشوب و نابسامانی سر و صورتی یافت و حکومت صفویه توانست موقعیتی مستحکم به وجود آورده در سراسر ایران صاحب قدرت گردد و توانست در عصر سلطنت شاه عباس کبیر به اوج قدرت و دوره عظمت خود رسد.^۲

شاه عباس پس از انتظام امور داخلی و ایجاد آرامش امنیت در سراسر کشور متوجه اصلاح جنوب ایران و پرداختن به اوامر خلیج فارس گردیده به فکر طرد اجانب و استعمار گران از این منطقه افتاد، و روی این اصل چون دولت های اسپانیا و پرتغال آگاهی داشت به منظور انتخاب دوست و متحدی که بتواند او را در رسیدن به مقصود، کمک کند دست اتحاد به سوی انگلیس بلند کرد سر انجام به کمک این دولت بسال آن ۱۶۲۲ میلادی پرتغالی ها و اسپانیایی ها را از مسندم و جزایر هرمز و بحرین و جاسک که مرکز عملیات نظامی آنها و محل

۱. هاوولی، دونالد، دریای پارس و سرزمین های متصالح، ترجمه حسن زنگنه، همسایه، قم ۱۳۷۷، ص ۱۰۲.

۲. شیخ نشین های خلیج فارس، ص ۶۰.



تمرکز قوای آن دو دولت بود، اخراج کرده به غوغای رقابت های استثماری در خلیج فارس خاتمه بخشید. و دولتین پرتقال و اسپانیایی در نتیجه این اقدام، همراه با سایر دول اروپایی که در خلیج قدرتی داشتند تا سال ۱۶۵۰م بکلی این منطقه را تخلیه نمودند. پس از این ماجرا، انگلیس توانست با استفاده از خالی بودن میدان خلیج فارس، این دریای مهم سوق الجیشی و تجاری که کلید رسیدن به هندوستان به حساب می آید، از وجود را رقبای سرسخت، دامنه نفوذ خود تا حد امکان بسط دهد و قوایی را گرد آورد.^۱

علی الخصوص ضعف و فتوری که پس از شاه عباس بر دولت صفوی سایه افکند و باعث عدم توجه حکومت ایران به خلیج فارس گردید، عامل مهمی در قدرت یابی انگلیس شد.

و دولت انگلستان توانست با استفاده از این امر و گرفتاریهای دولت ایران که مهمترین قدرت مستقل منطقه محسوب میشد، به بهانه حفظ هندوستان سلطه و اقتدار خود را بر جزایر مهم و استراتژیکی و بعد از نادر شاه افشار بر سواحل جنوبی خلیج فارس تحمیل کند و در این منطقه لشکر اندازد. ایران دست به گریبان گرفتاری های داخلی بوده و از حکومت های کوچک کویت و قطر و قطیف هم کاری ساخته نبود تا مانع از این اقدام گردد.^۲

در یک جمع بندی کلی می توان گفت که یکی از پیامدهای مهم سقوط صفویان در کرانه های خلیج فارس، به وجود آمدن کمر بند قدرت قبایل و طوایف بود. رؤسای طوایف با استفاده از ضعف دولت مرکزی و مشغول شدن نادر شاه و جانشینانش به مسائل شرق و غرب توانستند محدوده قدرت مشخصی را برای خود به دست آورند و در آن قلمرو به حکمرانی بپردازند. طوایف و قبایل مختلف در نیمه دوم قرن دوازدهم هجری در دو سوی کرانه های خلیج فارس مستقر شدند و کرانه های خلیج فارس به بخش های مختلف و ناهمگونی تقسیم شد که در هر ناحیه رئیس طایفه یا قبیله ای خاص حکمرانی می کرد. اگر کرانه های خلیج فارس را در بخش شمالی از چابهار به بندر عباسی و از آنجا به بوشهر و سپس به بصره وصل کنیم و از آنجا خطی به طرف جنوب

^۱ . همان منبع، ص ۶۱.

^۲ . همان منبع، ص ۶۲.



شرقی به بحرین و سپس جلفار و رأس مسندم بکشیم، به ترتیب روسا طوایف بلوچ، بنی معین، قواسم، هولہ، آل نصور، آل زعاب، آل عتوب، آل کعب، قواسم و امام مسقط در حیطة قدرت بودند.^۱

۳. از تشکیل امارات متصالحه تا امارات متحده

۱-۳ قواسم

از اوایل قرن ۱۹ اندک اندک امارت های کوچکی به جای حکومت های یاغی سابق در سواحل جنوب خلیج فارس پیدا شدو قبایلی مانند عقوب جواسم یا قواسم در کرانه های جنوبی خلیج فرود آمدندو توانستند در اندک زمان قسمتهای مهمی از سواحل جنوبی را تحت تسلط و سکونت خود در آورند

قواسم یکی از نیرومند ترین طوایف عرب ساکن در شمال و جنوب خلیج فارس در قرن دوازدهم و سیزدهم هجری بودند. این طایفه بیش از دیگر طوایف عرب در حیات سیاسی ایران تا عصر حاضر مؤثر بوده است. در قرن سیزدهم هجری عملیات و اقدامات رؤسای قواسم موجب دخالتهای مستقیم انگلستان در منطقه شد و زمینه اتحاد مشترک قبایل عرب را به وجود آورد. به عبارت دیگر انگلستان برای حل مسأله قواسم در خلیج فارس طرح اتحاد قبایل عرب، از آنان و به ویژه شیخ قاسمی، به عنوان شیوخ متصالح و سواحل جنوبی خلیج فارس، سواحل متصالح یاد شده است. این قرارداد نخستین جرقه سیاسی شکل گیری کشور امارات متحده عربی محسوب می شود. که هسته اصلی آن را قواسم تشکیل میدادند.^۲ آنچه که در این تحقیق لازم هست به آن پرداخته شود اهمیت اقدامات و عملیات نظامی و در یابی قواسم حد فاصل بین بندر عباسی تا کنگان در شمال خلیج فارس و سواحل روبه روی آن در جنوب خلیج فارس یعنی شبه جزیره مسندم است.

^۱ . وثوقی، همان منبع، ص ۳۳۵.

^۲ همان منبع، ۳۲۲-۳۲۳.



Persian Gulf Studies Center

مرکز مطالعات خلیج فارس
مطالعات سیاسی امنیتی دفاعی و تاریخی حوزه خلیج فارس

روابط فعلی ایران و امارات متحده عربی در واقع ادامه روند تاریخی روابط قواسم با حکام محلی و قدرتهای منطقه ای محسوب می شود. طایفه قاسمی یکی از اتحادیه های قبیله ای و شهروندی ایرانی در قرن ۱۲ و ۱۳ هجری است که شرایط ویژه ای را برای حکومت گران ایرانی به وجود آورد و نقش عمده‌های را در روابط بین ایران و انگلیس ایفا نمود.



2-3 تاریخ امارات متصالحه

شیوخ قاسمی جلفار (رأس الخیمة کنونی) تا پیش از گسترش حاکمیت نادر شاه بر کرانه های جنوبی خلیج فارس در دهه ۱۷۳۰، نفوذ خود را در مسندم تحکیم بخشیده بودند. با قتل نادر شاه در ژوئن ۱۷۴۷ و ملایمت و نرم خویی کریم خان زند که با وجود آرام سازی بخشی از کرانه های خلیج فارس در سال ۱۷۵۷ موجب گسترش نفوذ مجدد شیوخ قاسمی حتی در کرانه های شمال این خلیج نیز شد، دیگر ایران نتوانست موقعیت مسلط پیشین را تجدید کند.^۱

پیشرفت وهابیان در شبه جزیره عربستان با این رویدادها همزمان بود. وهابیان در سال های آخر قرن ۱۸، نجد را در شبه جزیره و قطیف و حسا را در بخش کرانه ای به کنترل خود در آوردند. واحد بوریمی در سال ۱۸۰۰ به تصرف وهابیان در آمد و آنان سایه تهدید خویش را بر سراسر عمان و کرانه های مسندم افکندند. دیری نپایید که در سال ۱۸۰۳ شبه جزیره مسندم تحت اقتدار آنان قرار گرفت و از آنجا قصد تسخیر عمان را کردند تا این زمان قدرت سران تیره های قاسمی هم در مسندم گسترش یافته بود و آنان در دزدی دریایی مهارت و تسلط یافتند. در عین حال انگلیسی ها نیز به صورت نیروی بی رقیب دریاهای مشرق، قدرت نمایی می کردند. توسعه نفوذ و موقعیت بریتانیا در مجموعه این مناطق، ایجاب می کرد تا منطقه خلیج فارس به کنترل در آید.^۲

دولت بمبئی که در مکاتبات رسمی از نیروی دریایی قواسم به عنوان دزدان دریایی و از سواحل جنوبی شارجه و رأس الخیمة به عنوان ساحل دزدان دریایی یاد می کرد، در صدد جلوگیری و کنترل نیروی دریایی قواسم بر آمد. دولت بمبئی در سال ۱۸۱۸/م ۱۲۳۴ هجری دستور حمله گسترده به مقر قواسم و انهدام کشتیها و پایگاههای آنان را صادر کرد. جنگ خونینی بین نیروهای دو طرف در رأس الخیمة به وقوع پیوست.^۳

^۱ . . پیروز، مجتهد زاده، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپولیتیک، ص ۱۶۴-۱۶۵.

^۲ . همان منبع، ۱۶۵.

^۳ . وثوقی، همان منبع، ص ۵۰۵.



سیاست بریتانیا در اوایل قرن نوزدهم به سمت تحکیم مواضع نظامی و سیاسی این کشور در خلیج فارس سوق داده شد و حل مسئله طوایف عرب در دستور کار دولت مردان انگلیس قرار گرفت. تهاجم گسترده نیروی دریایی انگلستان به بنادر و جزایر خلیج فارس موجب تسلیم بی چون و چرای روسای طوایف عرب گردید و در سال ۱۸۲۰م ۱۲۳۵هجری قرارداد معروف به صلح عمومی با شیوخ عرب به امضا رسید. روسای قواسم ناگزیر به امضای این قرارداد بودند و براساس این قرارداد مطابق مواد سه، شش و ده، واحدهای قبیله ای و از آن جمله قواسم به عنوان عناصر سیاسی نیمه مستقل شناسایی شدند و در ماده سوم به روسای قبایل اجازه داده شد تا در زمین و دریا پرچم قرمز با علامت یا بدون علامت حمل کنند. عقد این قرارداد به طوایف قواسم موجودیت سیاسی تحت حمایتی می بخشید.^۱ هدف ظاهری قرارداد های صلح عمومی جلوگیری از دزدی دریایی و تجارت برده بوده است.^۲

قرارداد صلح ژانویه ۱۸۲۰ میان قواسم مسندم و بریتانیا، نقطه آغاز تسلط این کشور بر منطقه و توسعه و دگرگونی جغرافیای سیاسی مسندم محسوب می شود. طبق این قرارداد قبایل مسندم به فرمان بریتانیا در آمدند و در عین حال مطابق مواد سوم، ششم و دهم قرارداد، این قبایل واحدهای سیاسی جداگانه و مستقل معرفی شدند. با امضای این قرارداد تحت حمایتی، جریان تحول جغرافیای سیاسی شبه جزیره مسندم، از حالت جولانگاه نا معین و متداخل قبیله های جداگانه دزدان دریایی به حکومت های جداگانه وابسته به بریتانیا، وارد مرحله رسمی شد و قلمرو شیوخ امضا کننده قرارداد به امارات متصالحه (صلح کننده) موسوم شد.^۳

اساساً حفظ امنیت در کرانه های امارات متصالحه که ساکنان مختلفی از طوایف گوناگون داشت، تنها با دخالت نیروی خارجی میسر شده بود. انگلستان برای برقراری صلح در سواحل متصالح و جلوگیری از درگیری

^۱ . وقایع الاتفاقیه، به کوشش سعید سیرجانی، نشر نو تهران، ۱۳۶۱ ص ۱۵۲ .

^۲ . بیژن اسدی، خلیج فارس و مسائل آن، تهران، ۱۳۸ ص ۲۹ .

^۳ . پیروز. مجتهد زاده، ، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپولیتیک، ص ۱۶۵ .



های خونین بین طوایف مختلف قراردادهای مختلفی با شیوخ متصالح به امضا رسانید که اساس تشکیل کشور جدید محسوب می شود.^۱

شیوخ شارجه، ابوظبی، دبئی، عجمان و ام القوین به همراه پنج شیخ نشین وابسته به آنه (بیشتر وابسته به قاسمیان شارجه) از فلنا حتی، حمراء، زیاح و خط، قرارداد را امضا کردند. قلمرو شیوخ امضا کننده در مسندم به دشواری از یکدیگر قابل تشخیص بود و دامنه آن در قرن ۱۹ و نیمه اول قرن بیستم، دست خوش نوسانهای متعددی شد؛ دورانی نسبتاً دراز از ۱۸۲۰ تا ۱۹۵۰ که گسیختگی و پیوستگی قلمروها از مشخصات بارز آن بود.^۲ یکی از نخستین طوایفی که موجودیت سیاسی خود را با امضای توافق نامه با انگلیس ثبت نموده قواسم بودند. شیوخ قواسم در سال ۱۸۶۴ میلادی معاهده جداگانه ای با انگلیس امضا کردند که به موجب آن قلمرو شیخ نشینی آنها تحت الحمایه انگلیس و روابط خارجی شان محدود به روابط با انگلستان باشد. از آنجا که مقر شیخ قواسم در بندر شارجه بود، از این زمان به بعد این بندر از شهرت و آوازه بسیاری در بخشهای جنوبی خلیج فارس برخوردار شد.

در سال ۱۸۶۶ سلطان بن سقر - حاکم شارجه سرزمین تحت حکومت خود را به چهار ناحیه دبا، کلبا، خورفکان، و راس الخیمه تقسیم نمود و به چهار فرزند خود واگذار کرد. پس از مرگ او بین فرزندان او اختلاف افتاد. و درگیریها و جنگ های داخلی قواسم آغا زگردید. راس الخیمه در سال ۱۸۶۷ خود را از نظارت شارجه خارج ساخت و سیزده سال بعد با فشار انگلیسی ها دوباره به آن ملحق گردید و باز هم در سال ۱۹۲۱ از شارجه جدا شد و شیخ آن خود را کاملاً مستقل معرفی نمود. درگیری ها و جنگهای داخلی باعث شد تا انگلستان در نهایت در سال ۱۹۵۲ میلادی جدایی راس الخیمه را از شارجه به رسمیت بشناسد و به این ترتیب سرزمین قواسم به دو شیخ نشین مجزا تقسیم شد. کشمکش قواسم در حوزه اقتدار خود به بخش های شرقی آن نیز سرایت کرد و امیر کلبا نیز ادعای استقلال از شیخ شارجه را نمود و با دخالت مکرر انگلستان ناگزیر به

^۱ . وثوقی، همان منبع، ص ۵۷۰.

^۲ . مجتهد زاده، پیروز، همان، ص ۱۶۵-۱۶۶.



پذیرش تابعیت شارجه شد. جنگ بین قبایل و طوایف مختلف امارات متصالح موجب شد که انگلستان در سال ۱۹۵۴ میلادی یک مأمور ویژه برای حل اختلافات و انجام تحقیقات حدود مرزی به ناحیه اعزام نماید.^۱ جولیان واکر دیپلمات انگلیسی، در سال ۱۹۵۴ از سوی لندن مأمور داوری در تقسیمات سیاسی مسندم شد. شیوخ هفت امارت مسندم تعهد کردند که از حاصل داوری و حکمیت واکر اطاعت کنند. جولیان واکر از سال ۱۹۵۵ کار خود را شروع کرد و پس از مطالعه و بررسی ۳۶ منطقه ۲۰ خط مرزی در مسندم تعیین نمود. در مورد هفت مورد دیگر نیز توافق هایی میان شیوخ و قبایل مسندم صورت گرفت. چهار منطقه که تعیین مالکیت در آنها عملی نبود، بیطرف اعلام شد.

نتیجه نهایی مرزبندی هایی که از سوی واکر تعیین شد، طی سالهای ۱۹۵۶ تا ۱۹۵۸ توسط کارگزار سیاسی بریتانیا بنام تریپ به شیوخ هفت گانه اعلام شد. شکل حاصل بر روی نقشه یکی از پیچیده ترین و جالب ترین انواع مرز بندی در جهان را به نمایش می آورد. قلمروهای قبیله ای بسیار کوچک به چند بخش جدا از هم و در داخل یکدیگر تقسیم شدند. بجز ام القوین، دیگر امارات هر یک از چند بخش جدا از هم تشکیل شدند و راس الخیمه، دبی و فجیره به دو بخش، عجمان با وسعتی حدود ۲۵۰ کیلو متر مربع به سه بخش، و شارجه به پنج بخش جدا از هم تقسیم شد.^۲

کار این مأمور تا سال ۱۹۶۱ میلادی رسمیت یافت و به امضای کلیه شیوخ رسید و امارات متصالح برای نخستین بار دارای محدوده سرزمینی شد. به این ترتیب با به رسمیت شناخته شدن محدوده مرزی امارات مختلف امارات متصالح مقدمات تشکیل یک کشور جدید فراهم شد.^۳

^۱ . وثوقی، همان منبع، ص ۵۷۱.

^۲ . مجتهد زاده، پیروز، همان منبع ص ۱۶۲.

^۳ . مجتهد زاده، پیروز، شیخ نشین های خلیج فارس، ص ۷۱.



۳-۳ تشکیل امارات متحده عربی

یکی از مهم ترین تحولاتی که در سال ۱۹۷۱ در خلیج فارس روی داد، خروج نیروهای انگلیسی از پایگاههای نظامی در شرق و به ویژه خلیج فارس بود. تا این زمان انگلستان دارای پایگاههای نظامی در بحرین، شارجه، مصیره بود و از طریق این نیروها مبادرت به حفظ منافع خود می نمود دولت انگلستان در سال ۱۹۶۸ اعلام کرد که تا سال ۱۹۷۱ نیروهای خود را از شرق سوئز که شامل خلیج فارس هم میشد خارج می کند. (محمد علی جناب ۴۳۸) دولت مردان انگلیس دایل اصلی اتخاذ چنین تصمیمی را صرفه جویی در هزینه های نظامی خود عنوان کردند. بررسی نیروهای نظامی انگلیس در این دوره نشان می دهد که این کشور جمعاً ۱۰۸ هزار نیروی زمینی و ۷۰ هزار نیروی دریایی و هوایی خارج از انگلستان مستقر کرده است که از این عده ۲۷ هزار نفر از نیروی زمینی و ۱۸ هزار نفر از نیروی دریایی در شرق سوئز مستقر بودند.^۱

انگلیس با اعمال سیاست های ویژه حمایتی خود از شیوخ مختلف و از جمله امیران بحرین، قطر، ابو ظبی، دبی، شارجه، راس الخیمه، و دیگر مناطق در صدد به وجود آوردن یک کشور جدید بر آمد و جلسات مشورتی بسیاری بر پا شد و در یکی از جلساتی که در اوایل سال ۱۹۶۸ میلادی در ابوظبی تشکیل گردید شیوخ توانستند در باره هشت بند یک قطعنامه مشترک به توافق برسند. این اصول هشتگانه عبارتند از:

۱. انتخاب یک مشاور حقوقی برای طرح ریزی منشور دائمی کنفد راسیون که بتواند وظایف خود را ظرف شش ماه به پایان رساند.
۲. انتخاب کمیته ای که رابط بین این مشاور حقوقی و شورای شیوخ باشد.
۳. به وجود آوردن یک شورای فدرال موقتی که شامل یک نماینده از هر امارت باشد و این نمایندگان هر یک سه دستیار داشته باشند.

^۱. وثوقی، همان منبع، ص ۵۴۹.



۴. ریاست هر یک از جلسات با یکی از شیوخ باشد.
۵. محل تشکیل جلسات شورا هر بار تغییر کند و هر دفعه در یکی از امارات باشد.
۶. تشکیل یک کمیته اجرایی برای ایجاد اتحاد در پول فدراسیون، پرچم و سرود ملی فدراسیون و امور پستی آن.
۷. تشکیل یک کمیته تا جلسات بعدی و تا اخذ تصمیم نهایی در ابو ظبی .
۸. اختصاص دادن بودجه ای برای فدراسیون.

به دنبال این توافق نامه کنفرانس هایی در سال ۱۹۸۶ و ۱۹۶۹ میلادی برگزار گردید و طی آن مشخص شد که بحرین برای پیوستن به اتحادیه خواهان حق السهم بیشتری نسبت به دیگر اعضاست و استدلال آن کشور، نسبت جمعیت و وسعت بحرین در اتحادیه بود. از سوی دیگر ایران در این مقطع با پیوستن بحرین به این فدراسیون موافق نبود و این عوامل باعث شد تا موضوع پیوستن بحرین به اتحادیه جدید به تدریج از دستور کار خارج شود. از سوی دیگر قطر که در موقعیت سیاسی و اجتماعی بهتری نسبت به دیگر شیوخ داشت و از نظر وسعت در درجه اول و از لحاظ جمعیت در درجه دوم بود خواهان حقوق ویژه ای برای خود شد که این امر موجب نگرانی دیگر شیوخ را فراهم نمود.^۱

کشمکش بین اعضا و نارضایتی ایران و وساطت انگلستان در این زمینه باعث شد تا حکام ابو ظبی و دبی که نقش مهمی در شکل گیری اتحادیه ایجاد کردند پس از برگزاری یک جلسه مشترک مصمم به تشکیل فدراسیون جدید با حضور هفت شیخ نشین شوند و از پیوستن بحرین قطر صرف نظر کنند. این طرح مورد استقبال ایران قرار گرفت و شیخ زاید ابن سلطان، حاکم ابو ظبی، برای جلب نظر انگلستان در ژوئن ۱۹۶۹ رهسپار آن کشور شد و به این ترتیب شرایط منطقه ای و بین المللی برای شکل دادن اتحادیه جدید فراهم گردید و چهارمین جلسه شیوخ در آبان ماه ۱۳۴۸ ش/ ۱۹۶۹ در ابوظبی تشکیل شد و توافقات مهم بین سران هفت

^۱ . وثوقی، تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار، ص ۵۷۲.



امارت نشین به انجام رسید که مهمترین آن انتخاب شیخ زاید بن سلطان آل نهیان حاکم ابوظبی، بعنوان رئیس اتحادیه جدید و تعیین شیخ راشد ابن سعید آل مکتوم حاکم دبی به عنوان نیابت اتحادیه بود.^۱ مذاکرات و توافق نامه ها ادامه یافت و نهایتاً در سال ۱۹۷۱ میلادی کشور جدید امارات متحده عربی متشکل از هفت شیخ نشین ابو ظبی، دبی، شارجه، عجمان، ام القوین، راس الخیمه، و فجیره تشکیل شد و موجودیت رسمیت یافت و در نهم دسامبر همان سال به عضویت سازمان ملل در آمد.^۲ راس الخیمه بعنوان هفتمین عضو در بهمن ۱۳۵۰ (فوریه ۱۹۷۲) به این فدراسیون پیوست.^۳

قانون اساسی موقت امارات در تاریخ ۲ دسامبر ۱۹۷۱ اعلام شد. براساس مفاد قانون اساسی، ساختار سیاسی امارات شامل: (۱) شورای عالی (رهبران)، (۲) شورای وزیران فدرال، و (۳) شورای ملی فدرال میباشد. اسلام مذهب رسمی شریعت منبع قانون گذاری و عربی زبان رسمی کشور است. شورای عالی رهبران بالاترین مرجع قدرت و حاکمیت کشور فدرال است که مرکب از حاکمان هفت شیخ نشین کشور است. این شورا از میان خود یک نفر را به عنوان رئیس یا حاکم کل امارات متحده برای مدت ۵ سال و یک نفر را به عنوان معاون حاکم کل انتخاب می کند. رئیس امارات ضمناً نخست وزیر و هیئت وزیران را بر می گزیند. حکم فعلی فدراسیون امارات متحده عربی «شیخ زاید ابن سلطان آل نهیان» (حاکم ابو ظبی) است که در تاریخ ۲ دسامبر ۱۹۷۱ انتخاب شد و برای ششمین دوره متوالی پنج ساله نیز مجدداً در دسامبر ۱۹۹۶ برگزیده شد. نخست وزیر و نیز معاون حاکم (دو منصب متفاوت) «شیخ مکتوم بن راشد آل مکتوم» (حاکم دبی)، و معاون نخست وزیر «سلطان بن زاید آل نهیان» (پسر حاکم امارات) است، شورای عالی رهبران بطور رسمی هر سال یک اجلاس برگزار می کنند. شورای

۱. مجتهد زاده، شیخ نشین ها، ص ۷۱.

۲. هوشنگ میر احمدی، جزایر کوچک سیاست های بزرگ، تهران، ۱۳۸۱ ص ۶۷.

۴. همایون، الهی، خلیج فارس و مسائل آن، ص ۱۴۲.



علی رهبران دارای اختیار تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در همه امور کشور است. ضمناً مصوبات و قوانین بررسی شده در شورای ملی فدرال را نیز تأیید یا رد می‌کند. مسئولیت بررسی قوانین با «شورای ملی فدرال» است که مجلسی صرفاً مشورتی و متشکل از ۴۰ نفر نماینده است که به وسیله هر یک از امارات بطور مستقل برای مدت ۲ سال منصوب می‌شوند. تعداد نمایندگان بین ۴ تا ۸ نفر به نسبت جمعیت هر یک از امارات منصوب می‌گردند. این شورا قوانینی را که به وسیله هیئت وزیران پیشنهاد شده می‌تواند پس از بررسی تصویب کند یا تغییر دهد. اولین اجلاس مجلس در فوریه ۱۹۷۲ تشکیل شد و کار رسمی و کامل آن در نوامبر ۱۹۷۲ شروع شد. این مجلس جدا از اختیار تصویب یا انجام تغییراتی در پیشنهادها، قانونی هیئت وزیران، دارای اختیارات وسیعی برای بحث و بررسی مسائل و علایق عمومی و اجتماعی کشور (بدون اختیار قانون‌گذاری‌های مربوط) است. این مجلس به مثابه یک مجمع مشورتی برای بحث درباره سیاست‌های حکومت ایفای نقش می‌کند! «شورای وزیران فدرال» یا هیئت وزیران دارای اختیار اجرایی، تدوین قوانین فدرال و اجرای آنهاست، و کلاً در برابر شورای عالی رهبران مسئول هستند. شورای فدرال به وسیله نخست‌وزیر هدایت می‌شود، و هر امارت نشین حد اقل یک وزیر را در این شورا خواهد داشت. مناصب وزارتی مهم‌تر به امارات بزرگتر تعلق دارد.^۱

۳-۴. دلایل تشکیل امارات متحده عربی

امارات متحده عربی شامل هفت شیخ‌نشین است که به هنگام خروج انگلستان از منطقه شرق سوئز در سال ۱۹۷۱ با ایجاد یک فدراسیون در کنار یکدیگر قرار گرفتند و آنچه موجب ایجاد و تشکیل این فدراسیون شد مسئله تأمین امنیت در مقابل تحدیدهای خارجی بود که در این زمان عبارت بودند از:

^۱ بیژن، اسدی، خایج فارس و مسائل آن، ص ۲۹۵.



۱. **تهدید های عراق:** از نظر حکام هفت گانه، دولت وقت عراق، رادیکال، سوسیالیست و طرفدار شوروی محسوب میشد. با توجه به اقدامات براندازی عراق از جمله دخالت در قتل حاکم شارجه در سال ۱۹۷۲ و ارسال اسلحه برای مخالفان شیوخ، این یک تهدید جدی به حساب می آمد.
 ۲. **تهدید گسترش جنبش های آزادی بخش:** جنبش آزادی بخش «ظفار» در سال ۱۹۶۵ تشکیل و در سال ۱۹۶۸ با انتخاب ایدئولوژی مارکسیستی نام خود را به «جبهه خلق برای آزادی عمان و خلیج عربی» تغییر داد. جبهه خلق، هدف خود را براندازی کلیه رژیم های حکم بر مناطق بین عراق و عمان اعلام کرد. این جبهه از حمایت و کمک های چین عراق و جمهوری خلق یمن برخوردار بود.
 ۳. **تهدید های عربستان:** از آنجا که عربستان نسبت به دو سوم خاک امارات متحده عربی یعنی مناطقی مانند بوریمی، العین، لیوا، ظفره، زراره و خورالعدید ادعای اراضی داشت به عنوان یک خطر بالقوه تلقی میشد. عربستان در سالهای اولیه تشکیل این فدراسیون از شناسایی آن خوداری کرد.
 ۴. **تهدید های ایران:** پس از اعاده ایران بر جزایر ابو موسی، تنب بزرگ و کوچک در سال ۱۹۷۱ شیخ نشین های هفت گانه نوعی بد بینی و خطر را از جانب ایران احساس می کردند. ایران و شارجه در مورد ابو موسی به توافق رسیدند که طی آن نیروهای ایران در جزیره مستقر شدند و ایران پذیرفت برای یک دوره ۹ ساله هر ساله یک و نیم لیره به شارجه، تا وقتی که در آمد نفتی این شیخ نشین از سه و نیم لیره در سال نرسیده پرداخت کند. چنین توافقی با راس الخیمه با توجه به درخواست رقم بسیار بالا تو سط راس الخیمه بدست نیامد.
- اما این تهدید های خارجی تا سالهای ۵۵-۱۳۵۴ (۷۶-۱۹۷۵) به تدریج کاهش یافتند، بطوری که عراق در سال ۱۹۷۵ سیاست خود را تغییر داد و به طرف غرب گرایش پیدا کرد، عربستان با انعقاد قرارداد ۱۹۷۴ اختلافات خود را با امارات حل و آن کشور را به رسمیت شناخت. با توجه به کمک ایران به عمان در جنگ علیه ظفار کم بیش امارات متحده عربی در ایران یک حامی یافت و به این ترتیب این دو کشور به هم نزدیک شدند.^۱

^۱ . محمد اعظم، بنی عباسیان بستکی، تاریخ جهانگیریه و بنی عباسیان بستک، تهران، ۱۳۳۹، ص ۱۵۷-۱۵۹.



۳-۵. تقسیمات سیاسی امارات

بر پایه آخرین تقسیمات سیاسی، امارات متحده عربی از هفت ایالت (امارت): ابو ظبی، ام القوین، دبی، راس الخیمه، شارجه، عجمان، و فجیره تشکیل گردیده، که به صورت فدرال (فدراسیون) اداره می شوند.^۱

۱. ابو ظبی

امارت ابو ظبی با مساحتی حدود ۷۲۴۵۰ کیلو متر مربع در جنوبی ترین بخش کرانه خلیج فارس واقع است این امارت از سوی شمال به خلیج فارس، از شمال و خاور با دبی و شارجه و از جنوب به حجاز (عربستان سعودی) محدود است. بخش بزرگی از خاک ابو ظبی را خشکی کرانه ای و صحرا های داخلی تشکیل می دهد و اندکی از آن به صورت جزایر واقع در خلیج فارس است و جزیره ابو ظبی که به هنگام جزر و مد دریا به صورت شبه جزیره ای به خشکی می پیوندد، پایتخت است.

جزیره ابو ظبی که به وسیله پل به خاک اصلی پیوند یافته است نزدیک به کرانه خلیج فارس، بین ۲۴ درجه و ۲۹ دقیقه عرض شمالی و ۵۰ درجه و ۲۰ درجه طول خاور نسبت به نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است. ابو ظبی از لحاظ آب و هوا همانند سایر امارات، دارای زمستانهای معتدل است. تابستانهای آن به دلیل حرارت و رطوبت بیش از حد، حتی برای ساکنان محلی غیر قابل تحمل می شود. حرارت هوا در گرمترین روزها تا ۵۲ درجه سانتیگراد بالای صفر می رسد، آبادی معروف البوریمی که شاهد حوادث سیاسی در سده ۱۹ م، بوده است، در خاوری ترین بخش ابو ظبی قرار گرفته است و از هوای ملایم و معتدل برخوردار است.^۲

^۱ . گیتا شناسی کشور ها، انتشارات گیتا شناسی، تهران، ۱۳۶۲، ص ۳۷.

^۲ . ایرج افشار، جغرافیای دریای پارس، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، تهران، ۱۳۷۶، ص ۶۸۳-۶۸۴.



این شیخ نشین پس از دبی پر جمعیت ترین امارات شبه جزیره مسندم به شمار میرود. از زمانی کاوش های نفتی و گام های آبادانی در این سامان برداشته شد و به نتیجه مطلوب رسید، نفوس آن افزایش یافت، که در این میان، ایرانیان بیشترین را دارا بودند.^۱

پایه اقتصاد ابوظبی بر نفت قرار گرفته است. کشاورزی آن ویژه سبزی کاری، صیفی کاری، باغ داری، پرورش نخل و اندکی کشت است که در آبادی های البوریمی و الیوا به عمل می آید، ولی کافی نیست و با ورود میوه، تره بار و مواد غذایی، به ویژه از ایران، نیاز های داخلی بر طرف می گردد.^۲

آل نهیان در سال ۱۷۶۱ با یافتن آب آشامیدنی در جزیره ابوظبی، پایه گذار این شیخ نشین شدند. با قراردادهای عمومی سال ۱۸۲۰، درگیری آل نهیان با قبایل و تیره های گوناگون بر سر سلطه بر مناطق مختلف ابوظبی سالها به طول انجامید و به گسترش نفوذ آل نهیان کمک کرد.

۲. دبی

امارت دبی با مساحتی حدود ۴۱۸۰ کیلو متر مربع در جنوب با ختری شبه جزیره مسندم و شمال شیخ نشین ابوظبی واقع است. این امارت از سوی شمال و خاور به شارجه، از جنوب خاوری و جنوب به تا جنوب باختری به ابوظبی، و از باختر تا شمال باختر به خلیج فارس محدود است.

با وجود قراردادهای عمومی سال ۱۸۲۰ شیخ نشین دبی تا سال ۱۸۳۳ به ابوظبی وابسته بود. در این سال تیره آل ابو فلاسه از قبیله بنی یاس در این سرزمین مستقر شد. شیخ مکتوم به ریاست تیره رسید. در سال ۱۸۹۲، پس از سالها درگیری داخلی میان شیخ آل مکتوم، شیخ راشد ابن مکتوم طبق قراردادی تحت الحمایه بریتانیا شدو برادر زاده وی شیخ مکتوم بن حشر تا سال ۱۹۰۶ بر دبی حکم راند. جانشین او شیخ سعید بن مکتوم تا سال ۱۹۵۸ حاکم دبی بود. با مرگ وی پسرش شیخ راشد که از سال ۱۹۴۱ عملاً حاکم دبی بود قدرت رسید و تا زمان مرگش در سال ۱۹۹۰ بر این سرزمین حکومت می کرد.^۳

^۱. همان منبع، همان صفحه.

^۲ همان منبع، همان صفحه.

^۳. پیروز، مجتهد زاده، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپولتیک، ص ۱۷۴-۱۷۵.



۳. شارجه

این شیخ نشین از هم گسیخته ترین سرزمین امارات هفتگانه را دارد. این سرزمین از پنج بخش جدا از هم تشکیل می شود که عبارتند از سرزمین اصلی در ساحل خلیج فارس، دیبه، کلبه، و خور فکان، در کنار دریای عمان و یک سرزمین کوچک در کوههای حجار نزدیک وادی خم و منطقه کلبه که در مجموع ۱۶۰۰ مایل مربع مساحت شارجه را تشکیل می دهند.^۱

اقتصاد شارجه به صدور ماهی، مروارید، نفت، خاک، سرخ، و حق الامتیاز انتشار تمبر است. شارجه دارای منابع نفت فراوان در خشکی و دریاست، که شرکت های خارجی مشغول حفاری و استخراج آنها هستند.^۲

قاسمی ها یکی از طوایف بزرگ در شارجه هستند. مطابق قرارداد صلح ۱۸۲۰ که شیخ سلطان بن صقر شیخ شارجه نیز آن را امضا کرد، قلمرو شیخ به عنوان شیخ نشین یا اماراتی از امارات متصالحه شناخته شد. شیخ قاسمی شارجه با قرارداد دیگری در سال ۱۸۶۴ شارجه را تحت الحمایه بریتانیا ساخت، نوادگان شیخ سلطان ابن صقر از آن تاریخ تا کنون با درگیری ها و نوسانات بسیار، حکومت قواسم را بر شارجه حفظ کردند دو رویداد مهم از شأن و اعتبار آنها در طول تاریخ کاست. یکی ضرباتی است که از سوی ایران به آنها وارد آمد و در سال ۱۸۸۷ با برچیده شدن بساط قواسم لنگه، نفوذ در کرانه های شمالی خلیج فارس را از دست دادند و رویداد دوم در ۱۹۲۳۱ رخ داد: هنگامی که قواسم رأس الخیمه به عنوان یک شیخ نشین جدید از شارجه جدا شدند باز گشت سرزمین کلبه در سال ۱۹۵۱ هم مهم ترین دگرگونی جغرافیایی سیاسی شارجه بوده است.^۳

^۱. همان منبع، همان صفحه.

^۲. افشار، ایرج، همان منبع، ص ۶۸۸.

^۳. پیروز، مجتهد زاده، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپولیتیک، ص ۱۷۵-۱۷۶.



۴. ام القوین

بیشتر اروپائیان این شیخ نشین را Amulgavine که تلفظش برای آنها آسان تر است می خوانند. این شیخ نشین در کرانه خلیج فارس و در شمال شرقی شارجه قرار دارد و بعد از عجمان کوچکترین امارت می باشد.^۱ بیشتر در آمد مردم آن در شهر ام القوین و آبادی خلیج بن معلام بسر می برند و گروهی چادر نشین هستند کار اصلی آنها ماهیگیری است. درآمد این امارت از امتیاز کشف و استخراج نفت، و امتیاز انتشار تمبر بدست می آید. ام القوین کشاورزی ندارد و گله داری نیز اهمیت نداشته و مواد غذایی، میوه، سبزی و گوشت، از واردات مهم آن به شمار می آید. اقتصاد آن متکی به ماهیگیری، اندکی دامداری و کمی تولید نفت است.^۲ ام القوین از نخستین امضا کنندگان قرارداد صلح ۱۸۲۰ بود. حکومت ام القوین در آن هنگام با شیخ عبد الله ابن راشد بود. فرزندان و برادران وی یکی پس از دیگری جانشین وی شدند و از ۱۹۲۹ شیخ احمد ابن راشد المعلی بر ام القوین حکومت می کند.^۳

۵. رأس الخیمه

رأس الخیمه ایالتی است منقطع و از دو قسمت تقسیم می شود. قسمت شمالی آن از طرف شمال و از غرب به طول ۶۴ کیلو متر با خلیج فارس مجاور است و شرق آن را قسمت شمالی عمان و مسقط محدود کردند و از طرف جنوب با دو ایالت شارجه و فجیره شمالی مرز مشترک دارد و پایتخت امارت در سواحل آن واقع است.^۴

مردم این امارت به کار ماهی گیری، کشاورزی و دامداری مشغولند. ماهی از صادرات مهم این سرزمین است و رقم مهمی از درآمدها را تشکیل می دهد. بیشتر جمعیت رأس الخیمه را مردم غیر محلی که از جنوب

^۱ . محمد علی جناب، خلیج فارس و آشنایی با امارات آن. تهران ۱۳۴۹، ص ۳۰۴.

^۲ . افشار، ایرج، همان منبع، ص ۶۸۵.

^۳ . . مجتهد زاده، پیروز، همان منبع، ص ۱۷۸.

^۴ . پیروز مجتهد زاده، شیخ نشین های خلیج فارس، ص ۱۱۷.



ایران به آنجا رفتند را تشکیل می دهد، به همین جهت فارسی زبان و ریال ایرانی در آنجا رواج کامل دارد. شماری به نام تیره شیحو در یکی از نواحی کوهستانی این شیخ نشین زندگی می کنند. که آداب و رسوم ویژه ای دارند اینان مردمی خشن، تند خو و دیر آشنا هستند و از هیچ حکومتی تبعیت نمی کنند. رأس الخیمه در زمانهای گذشته جلفار نام داشته است. در باره نام کنونی این امارت گفته می شود که نادر شاه افشار به هنگام دست یافتن بر منطقه عمان، در این ناحیه چادر مجللی که رأس طلایی داشته، بر پا داشته است. به ملاحظه قبه طلایی راس این خیمه نادر شاهی، این سرزمین را رأس الخیمه خواندند.^۱

۶. عجمان

عجمان با مساحتی حدود ۲۸۰ کیلو متر مربع در باختر ام القوین و شمال خاوری امارت شارجه قرار گرفته و از سه ناحیه جداگانه کرانه باختری مسندم حدود ۸ کیلو متر با خلیج فارس هم مرز است و سوی دیگر آن به خاک شارجه محدود می شود. عجمان باختری صحرایی و شنزار می باشد و عجمان خاوری یک ناحیه کوهستانی است که به کوههای رأس الخیمه می رسد. می گویند نام عجمان از واژه عجم گرفته شده و این به دلیل شمار زیاد ایرانیان در این امارت است، و سراسر مسندم و دیگر نواحی جنوبی خلیج فارس را تصرف کرد، گروهی از مردم خراسان را به عجمان کوچانید و در عوض گروهی از مردم عجمان را به خراسان فرستاد، از این رو نام این ناحیه عجمان شد.^۲

عجمان با امضای قرارداد صلح سال ۱۸۲۰ با بریتانیا که توسط شیخ راشد بن حمید النعیمی حاکم آن امضا شد، به صورت یکی از امارات متصله درآمد. از ۱۸۳۸ تا ۱۹۲۸ حکومت عجمان با زد و خورد های میان فرزندان شیخ راشد، دست به دست می شد و از این تاریخ تا این اواخر، شیخ راشد بن حمید النعیمی سوم حاکم این شیخ نشین بود.^۳

^۱ . افشار، ایرج، همان منبع، ص ۶۸۷.

^۲ همان منبع، ص ۶۸۸.

^۳ . پیروز، مجتهد زاده، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپولیتیک، ص ۱۷۷.



۷. فجیره

تنها شیخ نشین عضو امارات عربی متحده است که در کرانه های خاوری مسندم کنار دریای عمان واقع است و به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم می شود. بخش شمالی نزدیک سه برابر گسترده تر از بخش جنوبی است و از جنوب باختری به سرزمین اصلی شارجه، از باختر به رأس الخیمه شمالی، از طرف خاور به خور فکان و از شمال به دبی و بخش شمالی عمان محدود است.^۱ آب و هوای فجیره از دیگر امارات کرانه ای خلیج فارس اندکی گرم تر و مرطوب تر است، دشتهای و سرزمین های دامنه کوههای آن آب شیرین دارد و توتون و خرما، و چند گونه میوه های دیگر چون انبه، پرتقال، نارنج، سیب زمینی و موز بدست می آید که در اقتصاد و تغذیه مردم آن نقش مهمی دارد.^۲

این شیخ نشین تا سال ۱۹۰۱ موجودیت سیاسی نداشت در حالی که بندر فجیره قرن ها از مهم ترین نقاط کرانه خاوری مسندم بود. از سال ۱۸۶۶ شیوخ الشرقی برای جداسازی فجیره از شارجه تلاش کردند. با مرگ شیخ سلطان بن صقر قاسمی حاکم مقتدر شارجه در آن سال، عبد الله ابن خمیس الشرقی، رئیس منطقه فجیره با خوداری از پرداخت مالیات شارجه، قبایل بخش خاوری مسندم رابه قیام علیه حاکمیت شارجه تشویق کرد. حاکم جدید شارجه تلاش کرد با جنگ تسلط خود را اعاده کند، ولی بعد با گفتگو قرار شد شیخ عبد الله بن خمیس در مقام نماینده حاکم شارجه در فجیره مستقر شود. در رویدادهای بعدی، پای سلطان مسقط و دولت بریتانیا به عنوان میانجی به میان آمد. در سال ۱۸۸۰ فرزند شیخ عبد الله، شیخ حمد الشرقی، قراردادی با بریتانیا امضا کرد و جدایی فجیره از شارجه را رسمیت داد. شیخ محمد بن حمد تا سالهای نخستین دهه ۱۹۷۰ بر فجیره حکومت داشت.^۳

^۱. همان منبع ۱۷۸.

^۲. افشار، ایرج، همان منبع، ص ۶۹۰.

^۳. پیروز، مجتهد زاده، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپولیتیک، ص ۱۸۰.



نتیجه گیری

در یک جمع بندی کلی می توان گفت که انگلستان برای حل مسأله قواسم در خلیج فارس، طرح اتحاد قبایل عرب تحت سلطه خود را برنامه ریزی کرد و در اوایل قرن نوزدهم در عقد اتحاد با روسای قبایل عرب، از آنان و به ویژه شیخ قاسمی، به عنوان شیوخ متصالح و سواحل جنوبی خلیج فارس، سواحل متصالح یاد شده است. با امضای این قرارداد تحت الحمایگی، جریان تحول جغرافیای سیاسی شبه جزیره مسندم، از حالت جولانگاه نامعین و متداخل قبیله های جداگانه دزدان دریایی به حکومت های جداگانه وابسته به بریتانیا، وارد مرحله رسمی شد و قلمرو شیوخ امضا کننده قرارداد به امارات متصالحه (صلح کننده) موسوم شد. این قرارداد نخستین جرقه سیاسی شکل گیری کشور امارات متحده عربی محسوب می شود. که هسته اصلی آن را قواسم تشکیل میدادند. این مجموعه که در پیمان صلح شرکت نموده بودند، رفته رفته طرح کنفدراسیون امارات متحده عربی را ریختند و در سال ۱۳۵۰ امارات متحده عربی تشکیل گردید. امارات متحده عربی شامل هفت شیخ نشین است که به هنگام خروج انگلستان از منطقه شرق سوئز در سال ۱۹۷۱ با ایجاد یک فدراسیون در کنار یکدیگر قرار گرفتند و آنچه موجب ایجاد و تشکیل این فدراسیون شد مسئله تأمین امنیت در مقابل تهدید های خارجی بود. با خروج و اعلام استقلال، کشورهای بحرین و قطر، بقیه شیوخ که مرکب از هفت منطقه می باشند، امارات متحده فعلی را تشکیل دادند. این شیخ نشین ها به ترتیب از غرب به شرق عبارتند از: ابو ظبی، دوبی، شارجه، عجمان، ام القوین، راس الخیمه، و فجیره. در مجموع می توان گفت که انگلستان که با حضور چند قرن خود در خلیج فارس لطامات شدید و جبران ناپذیری را بر پیکر اقتصادی و سیاسی منطقه و کشور های همجوار وارد ساخت، هنگام خروج از خلیج فارس نیز با اعمال دیپلماسی زیرکانه خود توانست زمینه کشمکش و اختلاف را در



این نقطه حساس جهان زنده نگه دارد. انگلستان با ناتمام گذاشتن اختلافات خود با ایران بر سر مسئله جزایر سه گانه و انتقال این مسئله به کشور جدید التاسیس امارات یکبار دیگر نفاق و زیرکی خود را نشان داد تا با تداوم اختلافات بتواند بر منطقه حکومت کند.

منابع

- افشار، ایرج، جغرافیای دریای پارس، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، تهران: ۱۳۷۶.
- اقبال، عباس، مطالعاتی در باب بحرین و جزایر خلیج فارس، تهران: ۱۳۲۸
- اسدی، بیژن، خلیج فارس و مسائل آن، سمت، تهران: ۱۳۸۱
- الهی، همایون، خلیج فارس و مسائل آن، قومی، بی جا: ۱۳۸۶
- اقتداری، احمد، خلیج فارس از دیرباز تا کنون، امیرکبیر، تهران: ۱۳۸۷
- بنی عباسیان بستکی، محمد اعظم، تاریخ جهانگیری و بنی عباسیان بستک، تهران: ۱۳۳۹
- تکمیل همایون، ناصر، خلیج فارس، دفتر پژوهشهای فرهنگی، بی جا: ۱۳۷۰
- حافظ نیا، محمدرضا، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، علامه طباطبایی، تهران: ۱۳۷۱.
- جناب، محمدعلی، خلیج فارس و آشنایی با امارات آن، چاپ شریعت و شرق، تهران: ۱۳۴۸
- جعفری ولدانی، اصغر، کانونهای بحران در خلیج فارس، کیهان، تهران: ۱۳۷۷
- زاغیان، محمد- آخوند فرجی، عبدالرضا، امارات عربی از سری انتشارات اجمالی کشورها، مطالعات و طلوعی، محمود، نبرد قدرتهای در خلیج فارس، تهران: ۱۳۶۶
- میریان، عباس، جغرافیای تاریخی خلیج و دریای پارس، خرمشهر: ۱۳۶۰
- مجتهد زاده، پیروز، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، وزارت امور خارجه، تهران: ۱۳۷۱
- مجتهد زاده، پیروز، شیخ نشینهای خلیج فارس، موسسه مطبوعات عطائی، تهران، ۱۳۴۹
- مظفری، مهدی، امارات خلیج فارس، تهران، انتشارات روزبهان، ۱۳۶۰. - میر احمدی. هوشنگ، جزایر کوچک سیاست های بزرگ، تهران: ۱۳۸۱
- میر احمدی. هوشنگ، جزایر کوچک سیاست های بزرگ، تهران: ۱۳۸۱
- هاولی، دونالد، مترجم حسن زنگنه، دریای پارس و سرزمینهای متصل، همسایه، قم: ۱۳۷۷
- وثوقی، محمدباقر، تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار، سازمان مطالعه و تدوین علوم انسانی، تهران، ۱۳۸۴